

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

شب چهارم محرم ۱۴۴۲ مطابق با یکشنبه ۱۳۹۹/۶/۲

السَّلَامُ عَلَى الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَعْضَاءِ الْمُقَطَّعَاتِ - سلام بر بدن هاي نحيف و رنگ پريده، سلام بر اعضاي قطعه قطعه شده

مرگ با عزت

سيد الشهداء فرمود: «مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ، أَلَمَوْتُ أَوَّلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ أَوَّلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ. (مرگ با عزت از زندگي ذليلانه برتر است. مرگ برتر از همراه شدن با عار و خوارى است و خوارى از ورود در آتش برتر است.) (ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۸۶)

موضوع تدبر

تدبر و تأمل در اين نکته است که هم اکنون چه کسانی در مسیر مرگ با عزت اند و چه کسانی در میسر زندگي ذليلانه ؟

امام علي عليه السلام مردمان را چنين تقسيم نموده است: «در روزگاري کينه توز، و پر از ناسپاسي و کفران نعمت ها، بسر مي بریم ، که نیکوکار، بدکار به شمار مي آید، و ستمگر بر تجاوز و سرکشي خود مي افزايد نه از آن چه مي دانيم بهره مي گيريم و نه از آن چه نمي دانيم، مي پرسيم، و نه از حادثه مهمي، تا بر ما فرود نيايده، مي ترسيم.

آنها که در میسر زندگي ذليلانه اند :

در اين روزگاران، غالبا چهار گروه اند:

- ۱- گروهی اگر دست به فساد نمی زنند، برای این است که، روحشان ناتوان، و شمشیرشان کند، و امکانات مالی، در اختیار ندارند.
- ۲- گروه دیگر، آنان که شمشیر کشیده، و شرّ و فسادشان را آشکار کرده اند، لشکرهای پیاده و سواره خود را گرد آورده، و آماده کشتار دیگرانند. دین را برای به دست آوردن مال دنیا تباه کردند که یا رئیس و فرمانده گروهی شوند، یا به منبری فرا رفته، خطبه بخوانند(کنایه از پست و مقام). چه بد تجارتي، که دنیا را بهای جان خود بدانی، و با آنچه که در نزد خداست معاوضه نمایی.
- ۳- گروهی دیگر، با اعمال آخرت، دنیا را می طلبند، و با اعمال دنیا در پی کسب مقام های معنوی آخرت نیستند، خود را کوچک و متواضع جلوه می دهند. گام ها را ریاکارانه و کوتاه بر می دارند، دامن خود را جمع کرده، خود را همانند مؤمنان واقعی می آریند، و پوشش الهی را وسیله نفاق و دو رویی و دنیا طلبی خود قرار می دهند.

۴- و برخی دیگر، با پستی و ذلت و فقدان امکانات، از به دست آوردن قدرت محروم مانده اند، که خود را به زیور قناعت آراسته، و لباس زاهدان را پوشیده اند. اینان هرگز، در هیچ زمانی از شب و روز، از زاهدان راستین نبوده اند.

آنها که در مسیر مرگ با عزت‌اند:

در این میان گروه اندکی باقی مانده اند که یاد قیامت، چشم هایشان را بر همه چیز دنیا فرو بسته، و ترس رستاخیز، اشک هایشان را جاری ساخته است، برخی از آن‌ها از جامعه رانده شده، و تنها زندگی می‌کنند، و برخی دیگر ترسان و سرکوب شده و لب فرو بسته، سکوت اختیار کرده اند، بعضی مخلصانه همچنان مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنند، و بعضی دیگر گریان و دردناکند که تقیه و خویشتن داری، آنان را از چشم مردم انداخته است، و ناتوانی وجودشان را فرا گرفته گویا در دریای نمک فرو رفته اند، دهن هایشان بسته، و قلب هایشان مجروح است، آنقدر نصیحت کردند که خسته شدند، از بس سرکوب شدند، ناتوانند و چندان که کشته دادند، انگشت شمارند.» (خطبه ۳۲ نهج البلاغه)

اکنون باید از خود بپرسیم: آیا قادریم این صنوف را که مولایمان از مردم توصیف کرده است، بشناسیم؟ براستی قضاوت ما درباره خودمان چیست؟ صفات ما با کدامیک از این اصناف آدمها تطبیق می‌کند؟

اگر باور داشته باشیم که هر سال امام حسین می‌آید و «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» است. و ما را به راه سعادت دعوت می‌کند، پاسخ ما به امامان چیست؟...

امام سجاد علیه السلام فرمودند: «سی هزار نفر در کربلا بر ضد سیدالشهداء گرد آمدند که همه خود را از این امت (امت اسلام) می‌پنداشتند و همه با ریختن خون او (امام حسین ع) به خدا تقرب می‌جستند. آن حضرت آنان را به یاد خدا می‌انداخت، اما آنان پند نمی‌گرفتند تا آن‌که او را از روی ستم و دشمنی به شهادت رساندند.» (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹)

اما کسی که در روز عاشورا از خواب غفلت بیدار شد و تغییر مسیر داد، از ما می‌پرسد که آیا تو هم بیداری؟ و راهت را درست انتخاب کرده‌ای؟

روضة: (جناب حرّ بن یزید ریاحی)

در روز عاشوراء، حرّ چشم بینایی پیدا کرد و وضعیت خودش را تشخیص داد. وقتی ندای امام را شنید که می‌فرماید: اما من مغیث یغیثنا لوجه الله؟ اما من ذابّ یذبّ عن حرم رسول الله؟ آیا فریادرسی هست که برای خدا به فریاد ما برسد؟ آیا دفاع کننده‌ای است که از حرم رسول خدا (ص) دفاع نماید؟ از خواب غفلت بیدار شد، از لشگر فاصله گرفت و به طرف خیمه‌گاه امام حرکت کرد. همین که نزدیک امام شد، دست‌ها را بر سر نهاد و گفت: خدایا! من توبه می‌کنم و از اینکه ترس در دل اولیاء و فرزندان اولیاء و فرزند پیامبرت انداختم، مرا عفو نما! بعد سپر خود را واژگون نمود و نزدیک امام شد و سلام کرد. و به حضرت عرضه داشت: ای فرزند رسول خدا! فدای توشوم! منم آن شخصی که راه بر شما بستم و شما را به این بلا انداختم! هرگز گمان نمی‌کردم که این مردم، با تو چنین کنند. اکنون پشیمانم و بسوی خدا توبه می‌کنم! آیا توبه من قبول می‌شود؟

امام فرمود: آری! خداوند از تو می پذیرد و تو را می بخشد! حرّ برگشت و لشگر عمر بن سعد را نصیحت و سرزنش نمود! سپس او و فرزندش مشغول جنگ شدند تا به شهادت رسیدند. امام بر بالین حرّ رفتند و فرمودند:

مادرت، خوب نامی برای تو گذاشت که تودر دنیا حرّ (آزاده) و در آخرت نیز حرّ هستی!

جانم بفدایت یا حسین!

آنچه در سوگ تو ای پاکتر از پاک گذشت	نتوان گفتم که هر لحظه چه غمناک گذشت
جلوه روح خدا در افق، خون تو دید	آن که با پای دل از قله ادراک گذشت
آب شرمنده ایثار علمدار تو شد	که چرا تشنه از او این همه بی باک گذشت
بر لب تشنه لبهای تو، صد رود فرات	رود بی تاب کنار تو عطشناک گذشت
با حدیثی که ملائک ز ازل آوردند	سخن از قصه عشق تو، ز لولاک گذشت

صلی الله علیک یا ابا عبد الله